

بررسی دلایل فقهی نجاست سگ در فقه شیعه

احسان بروجردی^۱

چکیده

یکی از مواردی که از آن به عین نجس در فقه یاد می‌شود، سگ است. میان مذاهب اسلامی در اصل نجاست این حیوان و دامنه آن اختلاف است، اگرچه غالباً آن را پذیرفته‌اند. در این نوشتار ادله اقامه شده از سوی فقهای امامیه مبنی بر نجاست سگ و اقوال موجود در مسأله، تحلیل و واکاوی شده است. اگرچه فتوای مشهور فقیهان نجاست تمام اجزاء این حیوان است اما خدشه بر پاره‌ای از استدلال‌های آنان امکان‌پذیر است. آیات قرآن و عقل مستند این فتوا نبوده و تنها به روایاتی استناد می‌شود که بعضاً دلالتشان بر مدعا محل تأمل است. واژه «نجس» یا «رجس» که در برخی روایات نسبت به سگ یاد شده نیز به خودی خود دلیل برای نجاست مصطلح فقهی نمی‌تواند باشد. در مقاله پیش رو، ضمن ذکر اقوال موجود در مسأله، به دلایل هر یک پرداخته شده و در نهایت با اثبات نجاست آب دهان این حیوان، در نجاست دیگر اجزای آن مناقشه شده است.

کلیدواژه: سگ، نجاست سگ، طهارت، سگ شکاری، اعیان نجسه



درآمدی بر بحث

«نجاسات» بخش عمده‌ای از باب طهارت کتب فقهی را تشکیل می‌دهد. یکی از نجاسات مورد بحث فقهای مسلمان، نجاست سگ است. شافعیه و حنابله، دو مذهب مهم اهل سنت، به نجاست این حیوان فتوا داده‌اند (شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۳؛ ابن‌قدامه، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰؛ مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۰).^۱ مالک و اتباعش اما سگ را پاک می‌دانند (مالک بن انس، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ابن عبد البر، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۱۶۱).^۲ حسن بصری، داوود ظاهری، زهری و اوزاعی از دیگر فقیهان عامه‌ای هستند که فتوا به طهارت سگ از آنان نقل شده است (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ نووی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۶۷).^۳ برخی از حنفیان سگ را نجس العین انگاشته (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸) و گروهی دیگر نجاست را تنها در مورد نیم‌خورده و آب دهان آن پذیرفته و ظاهرش را پاک دانسته‌اند (زیلعی، ۱۳۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰-۳۲؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۴؛ نیز بنگرید: جزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱). حنابله بنا بر گزارشی به این دیدگاه گرایش دارند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱، ص ۵۳۰). رأی سفیان ثوری و لیث بن سعد را نیز مشابه فتوای ابوحنیفه نقل کرده‌اند (ابن عبد البر، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۰۷). رساله‌ای با عنوان «الکلب طاهر» به ابن حزم اندلسی نسبت داده شده است.^۴

در فقه امامیه فتوایی مبنی بر طهارت سگ یافت نشد و بسیاری بر نجاست این حیوان ادعای اجماع کرده‌اند؛ اگرچه، آن‌چنان که در ادامه نیز خواهد آمد، در جزئیات و دامنه این نجاست و تفکیک میان انواع سگ سخن‌هایی درگرفته است. امروزه سگ در زندگی انسان‌ها نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کند؛ از نگهداری اماکن گرفته تا شکار، محافظت از گله و شناسایی. همچنین در جوامع غیرمسلمان، سگ در خانه‌ها و در معرض برخورد بسیار زیاد با افراد بوده و مسلمانان ساکن در چنین محیط‌هایی را با مشکل روبرو کرده است. از این رو واکاوی نجاست

۱. فتوای احمد بن حنبل به گونه دیگری نیز گزارش شده که در ادامه اشاره خواهد شد.

۲. بر اساس این نظر، امر به غسل در مورد سگ تعبدی است نه به‌خاطر نجاست.

۳. فتوای اوزاعی ظاهراً تنها به طهارت سگ منتفع اختصاص دارد.

۴. این رساله از سوی «دار أهل الظاهر» منتشر شده است؛ رساله مذکور همان «رسالة في مسألة الكلب» است که در کتابخانه شهید علی پاشا در استانبول در ضمن رسائل پانزده‌گانه الفروع موجود است.



این حیوان مهم می‌نماید. در این جستار تنها به بررسی ادله مبتنی بر نجاست سگ که از سوی فقهای شیعه اقامه شده و نیز دلایل معارض آن پرداخته خواهد شد و دیگر مباحث فقهی مربوط به این حیوان (از قبیل دبه، خرید و فروش و...) از عهده این مقال خارج می‌باشد.

اقوال

گذشت که نجس بودن سگ فی الجمله امری پذیرفته شده است و قائلی بر طهارت آن به طور کلی در تاریخ امامیه یافت نمی‌شود. با این حال آراء فقها در این باره را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود:

۱. نجاست تمام اجزاء: مشهور فقها بر این نظر بوده، بسیاری بر آن ادعای اجماع نموده و برخی این مسأله را «ضروری مذهب» عنوان کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۶۶). شیخ طوسی علاوه بر این دو دلیل، اقتضای احتیاط را نیز همین می‌داند (۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۷۳). در نگاه مشهور، تمام اجزاء کلب، اعم از اجزائی که در آن حیات حلول می‌کند یا نه و نیز آب دهان آن، نجس است و تفاوتی میان انواع سگ نیست.
۲. نجاست اجزاء ما تحله الحیاة: سید مرتضی اجزائی را که در آن حیات حلول نمی‌کند پاک می‌داند (۱۴۱۷ق، ص ۱۰۰؛ ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۲۵). از معاصرین محمد صادقی تهرانی با سید مرتضی هم‌نظر است (۱۳۸۴، ص ۵۳). او البته قطب‌الدین بیهقی را نیز موافق سید می‌خواند که ناصواب است (بیهقی کیدری، ۱۳۷۴، ص ۵۶).
۳. تفکیک میان سگ شکاری و غیر آن: شیخ صدوق نسبت به کلب صید آب پاشیدن را کافی می‌داند (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۳). شیخ طوسی هم در یکی از آثارش به طهارت محلی که کلب صید بدان دهان زده فتوا داده است (۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲). علامه مجلسی نیز در یکی از کتبش تمایل به این دیدگاه داشته است (۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۲۹).
۴. نجاست آب دهان: در سال‌های اخیر نیز دو تن از پژوهشگران در نجاست تمام اجزای سگ تردید کرده‌اند؛ مطابق این دیدگاه نجاست آب دهان این حیوان ثابت است اما نجاست باقی اجزای آن، به جز سگان ولگرد و هار، مشکوک می‌باشد و بر اساس اصالة الطهارة حکم به طهارت آن اجزاء می‌باید نمود (عابدینی، احمد (بی‌تا)، آیا تمامی اجزاء



تمامی سگ‌ها نجس است؟ (عابدینی، احمد (بی تا)).^۱

۵. طهارت و وجوب اجتناب از آب دهان: محسن کدیور سگ را محکوم به طهارت می‌داند ولی معتقد است باید از آب دهان آن اجتناب نمود (کدیور، ۱۳۹۱).

ادله

۱. ادله قول اول (نجاست تمام اجزاء)

دلایلی که از سوی فقها بر نجاست سگ اقامه شده اجماع و پاره‌ای از روایات است. تمسک به قرآن و عقل برای اثبات نجاست سگ در تراث فقهی دیده نمی‌شود.

۱.۱. اجماع

در آثار گوناگونی از سوی فقها نسبت به نجاست سگ ادعای اجماع شده است (نک: فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۹۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰۷؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۶۶؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۵۸). نکته اینکه اجماع ادعاشده مدرکی است؛ یعنی مستند فقها معلوم است. روایاتی که ذکر خواهد شد مستند آنان بوده لذا اجماع در اینجا دلیل مستقلی نخواهد بود و بنابر نگاه مشهور حجت نیست.^۲

۱.۲. روایات

روایات دال بر نجاست را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود؛ پاره‌ای از این روایات تنها به نجاست سگ اشاره دارد و برخی دیگر همه اجزاء این حیوان را نجس می‌شمارد. در این قسمت تنها به روایات دسته دوم اشاره می‌شود و روایات دسته اول ذیل قول چهارم خواهد آمد.

۱. محمد سروش‌محللاتی نیز در مباحث فقهی خود (موجود در کانال تلگرامی نامبرده: @msoroushm) به مناقشه در ادله نجاست ظاهر کلب پرداخته و به نظر می‌رسد دیدگاهی مشابه داشته باشد. در تدوین مقاله از دروس مشارالیه استفاده فراوانی شده است.

۲. مشهور اصولیین اجماع مدرکی را حجت نمی‌دانند؛ به عنوان نمونه بنگرید: کاظمی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۵۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۳۸.



۱.۲.۱. صحیحۀ فضل بن عبدالملک

قال أبو عبدالله عليه السلام: إن أصاب ثوبك من الكلب رطوبة فاغسله، وإن مسّه جافاً فاصب عليه الماء. قلت: لم صار بهذه المنزلة؟ قال: لأنّ النبي صلى الله عليه وآله أمر بقتلها (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۵؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۶۱).^۱

تقریب استدلال: در صورت برخورد لباس با سگ، امر به شستن شده است، لذا سگ

نجس است.

بررسی: سند روایت صحیح است (همدانی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۱۵۷). فقها بر اساس این روایت به استحباب آب پاشیدن بر لباس در صورت برخورد با سگ در حالی که رطوبتی نباشد فتوا داده‌اند اما آب کشیدن لباس در حال سرایت رطوبت را وجوبی دانسته‌اند. در واقع یک طرف را واجب و طرف دیگر را مستحب گرفته‌اند. توضیح مطلب این‌که یکی از مباحث مطرح در دانش اصول، قرینیت سیاق است که فی الجمله امری پذیرفته شده می‌باشد (شیرازی، بی تا الف، ج ۳، ص ۱۱؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۸، ص ۴۲۴). بر این اساس اگر امر اول بر استحباب دلالت کرد، قرینیت سیاق ظهور امر دوم در وجوب را از بین می‌برد ولی در ایجاد ظهور در استحباب اختلاف است. لذا اگر امر به آب پاشیدن در صورتی که لباس و سگ خشک باشند استحبابی باشد، مطابق دیدگاهی لزوماً آب کشیدن در حالت رطوبت نیز مستحب نیست، بلکه تنها از وجوب افتاده است.

نکته دیگر نسبت به تعلیل موجود در روایت است. بنابر این تعلیل، علت شستن لباس در صورت برخورد با سگ، فرمان پیامبر صلى الله عليه وآله به قتل سگ است. در روایتی از امیرالمؤمنین عليه السلام منقول است که پیامبر اکرم به سه چیز فرمان دادند و یکی از آن‌ها چنین است: «لا کلباً إلا قتلته» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص ۲۳۵). پس از وفات ایشان دستوری عمومی مبنی بر این امر یافت نمی‌شود. فقها نیز فتوا به قتل همه سگان نداده‌اند (حسینی عاملی، بی تا، ج ۴، ص ۵۰). بنابراین باید سگ خاصی مد نظر باشد؛ از این رو احتمالاتی مطرح شده از جمله این‌که در روایت کلب (سگی که هاری دارد) است نه کلب؛ یا این‌که سگ‌های مودّی منظور است (ایروانی، ۱۳۸۴، ج ۱،

۱. در نسخه‌ای به جای «قتلها»، «غسلها» آمده است.



ص ۲۲؛ خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۷۰؛ منتظری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۴۱). با این تفصیل، تعلیل به یک مصلحت دنیوی بوده و استفاده نجاست از آن نمی‌شود. همچنان که هر آنچه پیامبر به قتل آن دستور فرموده نیز دلیل بر نجاست آن نخواهد بود. تناسب میان علت و حکم معلل لازم است و تعلیلات موجود در روایات در فهم ارشادی یا مولوی بودن حکم و نیز الزامی یا غیر الزامی بودن آن مؤثر می‌باشد.

چنان‌که گذشت، شیخ صدوق میان کلب صید و غیر آن تفصیل قائل است؛ میرزا جواد تبریزی احتمال می‌دهد مستند صدوق این روایت باشد، چرا که امر به قتل شامل کلب صید نمی‌گردد. با این فرض، ایشان معتقد است مقتضای استدلال، طهارت کلب ماشیه و نظیر آن خواهد بود، چرا که قتل آن‌ها نیز جایز نیست (۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۶۷).

۱. ۲. ۲. صحیحۀ محمد بن مسلم

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الكلب يصيب شيئاً من جسد الرجل؟ قال: يغسل المكان الذي أصابه (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۶؛ کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۱۷۹؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۶۰).

تقریب استدلال: برخورد چیزی از سگ به بدن انسان وجوب شستن آن مکان را به دنبال دارد، لذا تمام اجزاء سگ نجس است.

۱. ۲. ۳. صحیحۀ محمد بن مسلم

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الكلب السلوقي؟ فقال: إذا مسسته فاغسل يدك (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۶؛ کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص ۳۰۸).

تقریب استدلال: در صورت مس سگ شکاری باید دست را آب کشید، لذا تمام بدن سگ شکاری نجس است.

بررسی: دو حدیث از حیث سند صحیحند (همدانی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۱۵۷؛ تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۷۷). امر به غسل در مطلق مس سگ است؛ چه دست و سگ خشک باشند و چه یکی یا هر دو تر. حالت متعارف و معمول در هر دو طرف (سگ و دست) خشک بودن است؛ با این حال فقها به وجوب آب کشیدن دست در صورت برخورد با سگ در حالی که رطوبتی سرایت



نشود، فتوا نداده‌اند، اما از این روایت وجوب شستن در صورت سرایت رطوبت را استفاده کرده‌اند. در واقع روایت را به موارد غیر معمول حمل کرده و اساساً برخورد در صورت خشک بودن را خارج ساخته‌اند. این مطلب نسبت به روایت پیشین نیز مطرح خواهد بود. البته در مقابل می‌توان گفت ارتکاز عرفی از روایت، حالت رطوبت است؛ اگرچه این احتمال با توجه به دیگر روایات که امامان علیهم‌السلام میان حالت خشک و تر تفصیل قائل شده بودند، محل تأمل خواهد بود.

۱. ۲. ۴. حدیث اربعمائه

عن علي عليه السلام قال: تنزهوا عن قرب الكلاب، فمن أصاب الكلب وهو رطب فليغسله، وإن كان جافاً فلينضح ثوبه بالماء (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۷؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۶۲۶).

تقریب استدلال: نباید به سگ نزدیک شد و در صورت برخورد با سگ باید محل آن را آب کشید.

بررسی محتوایی: در این روایت ۴۰۰ توصیه آمده ولی فقها اثبات وجوب و حرمت را با استفاده از این حدیث مشکل دانسته‌اند. آیه‌الله شبیری زنجانی در این باره می‌گوید:

«اگر کسی به مجموعه این دستورات مراجعه کند، سیاق مانع از حمل اوامر و نواهی بر معنای ظاهر آن‌ها می‌شود، با این که اکثر دستورات غیر الزامی است، نمی‌توان گفت حضرت در مقام بیان احکام الزامی بوده است. آن چه که مصالح اشخاص اقتضا می‌کند که حضرت آن‌ها را به انجام آن امور تحریک نماید، در روایت آمده و اعم از احکام الزامی و غیر الزامی است.» (شبیری زنجانی، بی‌تاب، ج ۱، ص ۸۳۶-۸۳۷)

دو تعبیر «قرب» و «تنزه» نیز با استحباب تناسب بیشتری دارند چرا که محدوده معینی ندارند. بررسی سندی: نسبت به اعتبار سند این حدیث به جهت محمد بن عیسی بن عبید و قاسم بن یحیی، گروهی تشکیک کرده‌اند. در مورد محمد بن عیسی، اگرچه نجاشی او را توثیق کرده (۱۴۰۷ق، ص ۳۳۳ و ۳۴۸)، اما شیخ طوسی با تکیه بر سخنان ابن ولید و صدوق او را تضعیف



نموده است (۱۳۷۳، ص ۳۹۱؛ ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۶). بر این اساس، تنی چند از فقها اعتبار روایات منقول از محمد بن عیسی را نپذیرفته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۵۴۴). با این وجود احتمال می‌رود شیخ طوسی در فهم سخن ابن ولید به خطا رفته و شیخ صدوق نیز در فقیه از محمد بن عیسی حدیث آورده است. به هر روی نسبت به تضعیف شیخ مناقشاتی صورت گرفته و محققین معاصر محمد بن عیسی را از اجلا دانسته‌اند (شیرازی زنجانی، بی تا الف، ج ۲، ص ۲۶۵؛ ایزدی فرد، علی اکبر و دیگران (۱۳۹۵)، نقد نگره تضعیف محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۲). نسبت به قاسم بن یحیی توثیق صریحی در دست نیست؛ اما آیه‌الله شیرازی زنجانی، مطابق مبنای خود، به واسطه نقل محمد بن عیسی از کتاب قاسم، وثاقت او را استفاده می‌کند (خارج اصول، ۱۳۹۷/۱۲/۱۳). جز این، مطابق مبنایی از آن‌جا که نام قاسم بن یحیی در اسناد کامل الزیارات است مورد اطمینان خواهد بود. محقق خوبی از جمله قائلان این مبنا بود که در نهایت از آن عدول نمود (بکاء، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۹۱). برخی نیز همچون علامه حلی حتی به تضعیف قاسم پرداخته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸۹). ابن غضائری حسن بن راشد، دیگر راوی این خبر و جد قاسم را تضعیف کرده (۱۴۲۲ق، ص ۴۹) و قاسم را هم ضعیف شمرده و نوشته راوی جدش است (همان، ص ۸۶).

۱. ۲. ۵. مرسله حریر

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا مسَّ ثوبك كلب فإن كان يابساً فانضح، وإن كان رطباً فاغسله (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۴۱؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۶۰).

۱. ۲. ۶. حدیث علی بن ابی حمزه

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الكلب يصيب الثوب؟ قال: انضح، وإن كان رطباً فاغسله (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۴۲؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۶۰).

تقریب استدلال: آب کشیدن در صورت برخورد لباس با سگ اگر رطوبت در میان باشد، واجب است.

بررسی سندی: قاسم بن محمد جوهری و علی بن ابی حمزه بطائنی هر دو واقفی می‌باشند. نسبت به قاسم بن محمد توثیق صریحی یافت نشد اما با توجه به نقل مشایخ ثلاثه از



او مطابق مبنایی توثیق عام دارد. احتمال می‌رود این روایت با مرسله حریزی یکی باشد. بررسی محتوایی: آنچه ذیل حدیث نخست این بخش (صحیحہ فضل) پیرامون قرینیت سیاق گذشت، نسبت به این حدیث و حدیث پیشین نیز جاری است.

۱. ۲. ۷. موثقه ابن ابی یعفور

عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث - قال: وإياك أن تغتسل من غسالة الحمام، ففيها تجتمع غسالة اليهودي والنصراني والمجوسي والناصب لنا أهل البيت وهو شرهم، فإن الله تبارك وتعالى لم يخلق خلقاً أنجس من الكلب وإن الناصب لنا أهل البيت لأنجس منه (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۲۰؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۹۲).

تقریب استدلال: نجس‌ترین مخلوق سگ است و ناصبی از آن هم نجس‌تر است. **بررسی سندی:** شیخ حر عاملی این روایت را، چنان‌که خود اشاره کرده، به صورت مقطوع آورده است. منبع اصلی این حدیث، دو کتاب الکافی و علل الشرائع می‌باشد که با دو سند متفاوت و مضمونی مشابه دیده می‌شود. آنچه در فوق آمد بر اساس نقل شیخ صدوق است. در نقل کلینی آمده است:

إنَّ الله لم يخلق خلقاً شرّاً من الكلب وإن الناصب لنا أهل البيت لأهون منه (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۴۸).

تعدادی از فقها در موارد اختلاف روایت، وثاقت راوی را ملاک انتخاب قرار می‌دهند.^۱ بر این اساس، روایت علل الشرائع از آن جهت که راویان ثقه‌ای دارد حجت است و روایت الکافی به خاطر در برداشتن مجاهیل از حجیت ساقط می‌شود. در مقابل این مبنا، بعضی وثوق به روایت را ملاک می‌دانند نه صرفاً وثاقت راوی؛ لذا گاهی به روایت از طریق وثاقت روات آن وثوق پیدا می‌شود و گاه به مدد قرائنی دیگر اگرچه راوی ثقه نباشد. از این رو، مطابق شیوه دوم با توجه به اختلاف نقل‌ها، لزومی بر اعتبار نقل دوم نیست، بلکه اگر غیر معتبر هم باشد شک ایجاد می‌شود و وثوق از بین می‌رود. در این موارد باید به قدر متیقن اخذ شود. راه دیگر در موارد اختلاف روایت این است که دو کتاب حدیثی را با یکدیگر مقایسه نمود؛ الکافی از این

۱. شهید ثانی و محقق خویی را می‌توان از این دسته برشمرد؛ ر.ک: واعظ بهسودی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۷۹-۲۸۰.



نظر بر علل الشرائع ترجیح دارد. نکته مهم این‌که صدوق در الفقیه این قسمت از حدیث مذکور را نیاورده، اگرچه به دیگر قسمت‌های این روایت استناد کرده است و این احتمال تردید در بخش مورد بحث را تقویت می‌نماید.

بررسی محتوایی: با صرف نظر از اختلاف متن، باید گفت امام در این بخش از روایت در مقام بیان غسله یهودی، مجوسی، مسیحی و ناصبی بوده و اینکه ناصبی بدتر از کافر می‌باشد. شهید صدر معتقد است «هو شرهم» که نسبت به نواصب در روایت آمده، نشان از قذارت معنوی و پلیدی است، نه نجاست فقهی. برای تناسب تعلیل نیز باید واژه «نجس» را به نجاست معنوی حمل نمود (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۰۸).

۲. ادله قول دوم (نجاست اجزاء ما تحله الحیاة)

سید مرتضی نظر مختار خود را اجماعی دانسته و به آیه «وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حَبِيبٍ» (نحل، ۸۰)^۱ استناد کرده است. به باور او، قرآن کریم به جواز انتفاع از موی حیوانات تصریح داشته و چیز نجس نمی‌تواند منتفع باشد. او مو را از اجزایی نمی‌داند که در آن حیات حلول می‌کند. با توجه به ادعای اجماع وی و این‌که این فتوا را مذهب اصحاب می‌خواند، به نظر می‌رسد طهارت اجزای بی‌روح سنگ قائلان دیگری نیز داشته است. چنان‌که در آثار فقه‌های پس از سید مرتضی هم به اختلاف علما اذعان شده است.

۳. ادله قول سوم (تفکیک میان سنگ شکاری و غیر آن)

مستند این قول چندان معلوم نیست. مجلسی اول احتمال داده است روایتی به شیخ صدوق رسیده باشد که موجب چنین فتوایی شده است (۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱۸). در قرآن کریم آمده است: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلَّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (مانده، ۴)؛ «از تو می‌پرسند چه چیزهایی برای آنان حلال شده است؟ به آنان بگو همه پاک‌ها برای شما حلال شده است و آنچه به کمک سگان شکارگر [به دست می‌آورد] که با آنچه خداوند به

۱. و از پشم‌ها و کرک‌ها و موهای آن‌ها اثاث و مایه بهره‌وری تا هنگامی معین قرار داد.



شما آموخته است، آن‌ها را دست‌آموز می‌کنید، پس از آنچه برای شما گرفته و نگه داشته‌اند بخورید و [به هنگام فرستادن حیوان] نام خدا را بر آن ببرید، و از خداوند پروا کنید که خداوند سریع الحساب است». ممکن است این آیه نیز مد نظر شیخ صدوق بوده باشد. با این حال، بیشتر فقها این آیه شریفه را در مقام بیان طهارت یا نجاست سگ نمی‌دانند و تنها حکم حلیت اکل را استفاده کرده‌اند (کلانتری طهرانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۶۸؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۸۳۱؛ طاهری اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۱۳).

۴. ادله قول چهارم (نجاست آب دهان)

قائلان به این نظر، تنها دلالت روایات نجاست سؤر کلب را تمام دانسته و بر ادله قول اول خدشه وارد کرده‌اند. این روایات به شرح ذیل است:

۴.۱. صحیحہ فضل بن عبدالملک

آنکه سأل أبا عبد الله عليه السلام عن الكلب؟ فقال: رجس نجس، لا يتوضأ بفضله، واصب ذلك الماء، واغسله بالتراب أول مرة ثمّ بالماء (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۵).

در وسائل روایت به صورت مقطوع آمده است. شیخ طوسی پرسش فضل را چنین نقل می‌کند:

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن فضل الهرة والشاة والبقرة والابل والحمار والخيول والبغال والوحش والسباع فلم أترك شيئاً إلا سألته عنه فقال: لا بأس به؛ حتى انتهيت إلى الكلب، فقال: رجس نجس... (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹).^۱

بر این اساس پرسش از سگ نبوده، بلکه از سؤر حیواناتی از جمله سگ است. از همین رو روایت در این قسم آمد. برخی از فقها به واسطه این تقطیع، پاسخ امام را ناظر به خود سگ دانسته و به نجاست ذاتی آن حکم کرده‌اند (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۶۱).

تقریب استدلال: سؤر سگ به تصریح امام، نجس است.

۱. حدیث مذکور در الخلاف، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۸۸ آمده است با این تفاوت که باری پس از «ثم بالماء» زیاده «مرتین» را هم دارد.



۲. ۴. صحیحہ محمد بن مسلم

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الكلب يشرب من الإناء؟ قال: اغسل الإناء (حر عاملی، ۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۵؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸).
تقریب استدلال: ظرفی که سگ از آن نوشیده را باید آب کشید، لذا آب دهان آن نجس است.

۳. ۴. مرسله حریر بن عبدالله

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا ولغ الكلب في الإناء فصبه (حر عاملی، ۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۶؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۵).
تقریب استدلال: مشابه روایت سابق.

۴. ۴. روایت معاویة بن شریح

سئل عن سؤر الكلب، يشرب منه أو يتوضأ؟ قال: لا، قلت: أليس سبغ؟ قال: لا والله إنه نجس، لا والله إنه نجس (حر عاملی، ۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۶).
این روایت نیز به صورت مقطوع در وسائل آمده است. شیخ طوسی چنین آورده:
عن معاوية بن شريح قال: سألت عذافر أبا عبد الله عليه السلام وأنا عنده عن سؤر السنور والشاة والبقرة والبعير والحمار والفرس والبغل والسباع يشرب منه؟ أو يتوضأ منه؟ فقال: نعم، اشرب منه وتوضأ. قال قلت له الكلب؟ قال: لا. قلت: أليس هو سبغ؟ قال: لا والله إنه نجس، لا والله إنه نجس (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸).

بررسی محتوایی: از آن جا که سؤال عذافر مربوط به سؤر بوده و پاسخ امام نیز در خصوص سؤر است، پرسش اول معاویة بن شریح هم مربوط به سؤر کلب می باشد و پاسخ امام نیز چنین است. اما نسبت به پرسش و پاسخ آخر که آیا ناظر به خود سگ است یا سؤر آن، متن روایت ذو وجهین می باشد. با این حال به نظر می رسد تقابل با سباع اظهار از سیاق سؤر باشد. اگرچه ظاهر روایت چنین می نماید که علت عدم جواز شرب و وضو از نیم خورده سگ نجاست این حیوان است، اما فقها این تعلیل را ناصواب خوانده و فرمایش امام را صرفاً در مقام دفع توهم از هم حکمی سگ با سباع مذکور دانسته اند (غروی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۲۱۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۴، ص ۲۰۵).



بررسی سندی: برخی از سند روایت مذکور به ضعیف تعبیر کرده‌اند (طباطبائی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۵۸؛ تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۰۹)، چرا که نسبت به معاویه توثیق خاصی در کتب رجالی دیده نمی‌شود. البته از آن‌جا که مشایخ ثلاثه از او نقل حدیث کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۱۸۷ و ۱۹۶)، شامل توثیقات عام خواهد شد. با این حال در اصل پذیرش این قاعده اختلاف است؛ گروهی همچون آیه‌الله خویی (۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۶۴) و امام خمینی (۱۳۶۸، ج ۱، ص ۷۷) صرف روایت مشایخ را موجب وثاقت راوی نمی‌دانند. در مقابل بسیاری چون آیه‌الله شبیری زنجانی (بی‌تا الف، ج ۱۳، ص ۵۹) و آیه‌الله سیستانی (مهری، بی‌تا، ص ۸۲) به این قاعده تمسک کرده‌اند.

۴. ۵. موثقه سماعة بن مهران

عن أبي عبدالله عليه السلام: لا يشرب سؤر الكلب إلا أن يكون حوضاً كبيراً يستقي منه (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۱۶؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۶؛ ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰).

تقریب استدلال: نوشیدن از نیم‌خورده سگ حرام است، بنابراین سؤر آن نجس است.

۴. ۶. صحیحہ محمد بن مسلم

عن أبي عبدالله عليه السلام وسئل عن الماء تبول فيه الدواب، وتلغ فيه الكلاب، ويغتسل فيه الجنب؟ قال: إذا كان الماء قدر كرم لم ينجسه شيء (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۵۸؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۹؛ کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۱۱).^۱

۵. ادله قول پنجم (طهارت و وجوب اجتناب از آب دهان)

مستند این قول روایاتی است که سایرین از آن به عنوان اخبار معارض یاد کرده و به تأویل و طرح آن‌ها پرداخته‌اند. عمل اصحاب را برخلاف آن دانسته و احتمال تقیه‌ای بودن داده‌اند. نیز گفته‌اند نجاست سگ از واضحات اولیه‌ای است که قابل انکار نیست و روایات معارض مخالف سنت قطعیه می‌باشد (سعید تهرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۴۳۰؛ محسن طباطبائی حکیم، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۳۶۴؛ طباطبائی قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۰۴؛ صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۲۷؛ علوی گرگانی، ۱۳۹۵، ج ۹،

۱. مشابه این روایت، حدیث ۵ همین باب در وسائل الشیعه است.



ص ۱۶۰؛ قزوینی، ۱۴۳۵ق، ج ۶، ص ۱۰۵). همچنین برخی به عبارت «ردّ علمه إلی أهله» اکتفا کرده‌اند (همدانی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۱۵۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰۰). از جمله این ادله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۵. ۱. صحیحہ عبد الله بن مسکان

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الوضوء مما ولغ الكلب فيه، والسنور، أو شرب منه جمل، أو دابة، أو غير ذلك، أيتوضأ منه؟ أو يغتسل؟ قال: نعم، إلا أن تجد غيره فتزهر عنه (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۶).

تقریب استدلال: وضو گرفتن با آبی که سگ از آن نوشیده جایز است، پس ولوغ سگ نجس نیست.

بررسی محتوایی: شیخ طوسی پس از این نقل می‌گوید منظور از آنچه در روایت است در صورت بیش از کر بودن است. پس از او نیز اکثر فقها این توجیه را پذیرفته‌اند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۴). اما آنچه شایسته توجه است این‌که از امام از شتر، گربه و سگ سؤال یکسانی شده است؛ لذا اگر سگ را تقیید زدیم باید دیگر موارد پرسش شده را نیز مقید نماییم. جز این، واژه «ولوغ» نسبت به ظرف به کار می‌رود (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۳۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۶۰). برای حل این مشکل برخی در معنای ولوغ تصرف کرده و گروهی آن را مجاز دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۷۱). از دیگر احتمالات مطرح شده نسبت به این روایت، حمل آن بر تقیه است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۲۸). شماری از فقها با ادعای عدم اطلاق روایت برای آب قلیل و کر، آن را مخصوص آب‌های برکه یا کنار جاده‌ای می‌دانند که محل اجتماع حیوانات نامبرده نیز می‌باشد (بحرانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۰۷؛ همدانی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۱۶۰؛ سبزواری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۵۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۰۸). این آب‌ها اگرچه ممکن است کمتر از کر هم باشد ولی معمولاً بیش از آن است و محل عبور و مرور کاروان‌ها می‌باشد و امکان اندازه‌گیری آب عادتاً وجود ندارد. در این صورت نیز باید در معنای ولوغ تصرف نمود. میرزا هاشم آملی اما وجوه ذکر شده برای جمع میان روایت فوق و روایات دال بر نجاست را جمع تبرعی و غیرتام می‌داند و توجیهی جز اعراض اصحاب برای طرد روایت نمی‌پذیرد



(اسماعیل پور، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۹۷). یکی از پژوهشگران بر این باور است که در این حدیث هم قانون غلبه حاکم است و هم اصل نظافت؛ توضیح این که آب بر آلودگی ناچیزی که از زبان و پوزه این حیوانات منتقل می شود غالب است و تغییر نمی کند. البته اگر آب دیگری که در معرض این قبیل موارد نبوده یافت شود، چون پاکیزه تر است، برای استفاده شایسته تر خواهد بود. نکته دیگر مورد اشاره این محقق عدم انحصار آب مذکور به کر است. به نظر وی حدیث هم آب کر و هم غیر کر را شامل شده و از مفهوم «إذا كان الماء قدر كَرٍ لم ينجسه شيء» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۵۸) هم نمی توان استفاده کرد که آب کمتر از کر استثنا می شود، زیرا این حدیث مفهوم ندارد و اگر مفهوم هم داشت مفادش چنین نبود. بر این اساس اگر سگ هم بر آب زبان بزند و این آب تغییری نیابد، مطابق این حدیث نجس نبوده و می توان با آن وضو گرفت (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱).

بررسی سندی: نسبت به سند حدیث یادشده بعضاً ادعای ضعف شده است (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۲۴)؛ چرا که در روایان آن ابن سنان است و این نام مشترک میان محمد بن سنان و عبدالله بن سنان می باشد. با توجه به سند روایت، راوی موجود در آن محمد بن سنان خواهد بود که برخلاف عبدالله، تضعیفاتی دارد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۲۸ و ۴۲۴؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۹۲).^۱ با این حال، این تضعیفات جنبه اجتهادی داشته و ناظر به جنبه غالبانه مشار إلیه است؛ است؛ لذا مطابق مبنایی جز در مورد اتهام (مسائل اعتقادی) تضعیف دخالتی نخواهد داشت و بدان اکتفا نمی توان نمود.

۵. ۲. صحیحہ سعید اعرج

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الفارة والكلب يقع في السمن والزيت، ثم يخرج منه حياً؟ قال: لا

بأس بأكله (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص ۱۹۸؛ کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۲۶۸).

تقریب استدلال: افتادن سگ در ظرف روغن موجب حرمت اکل آن نمی شود، پس

نجس نیست.

بررسی سندی: آنچه در فوق آمد مطابق نقل کلینی بود. شیخ طوسی نیز نقل معتبری دارد

۱. در مقابل توثیقاتی نیز دارد؛ به عنوان نمونه بنگرید: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۴۸.

که در آن سخنی از سگ نیست (۱۳۶۴، ج ۹، ص ۸۶). بنابر قاعده اصل عدم زیاده (غروی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۹۹؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۷)^۱، باید نقل کلینی را در این اختلاف پذیرفت. برخی البته این اصل را در این جا جاری نمی‌دانند؛ چرا که معتقدند نجاست سگ معهود از صدر اسلام است و آنچه در روایت است از سوی روات یا نساخ افزوده گردیده است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۳۰). این استدلال البته قابل مناقشه است؛ زیرا ذهنیت مبنای تصحیح یک متن نیست و ممکن است امام علیه السلام به دلیل دیگری، مثل تقیه یا وجهی دیگر، چنین فرموده باشد. همچنین می‌توان از آن سو نیز مدعی شد و گفت از آن جا که نجاست سگ معهود بوده، کسی نمی‌تواند آن را اضافه کرده باشد. جز تمسک به این اصل، می‌توان بر اساس اضبطیت کلینی نقل او را ترجیح داد؛ توضیح مطلب آن که بنابر دیدگاه محققین، کلینی در نقل احادیث نسبت به دیگران ادق و اضبط است و در موارد اختلاف، آنچه او روایت کرده ترجیح خواهد داشت. جز این، کلینی در الکافی محدث است و طوسی در تهذیب فقیه. بر این اساس، موارد متعددی به چشم می‌خورد که شیخ طوسی در متن روایت تصرف کرده تا مطابق آن فتوا دهد (غروی، ۱۴۳۰ق، ج ۶، ص ۲۰۰). چنان‌که در ادامه نیز خواهد آمد، نوعی تناسب میان سگ و موش در پرسش‌هایی که از ائمه شده به چشم می‌خورد. این نیز می‌تواند بر قوت نقل کلینی بیفزاید.

بررسی محتوایی: در توجیه این روایت گفته شده که چون معارض دارد حجیتش از بین می‌رود. پس حجیت ذاتی آن محل خدشه نیست و تنها به خاطر معارض از حجیت ساقط می‌شود. شهید صدر مطابق مبنای اصولی خود معتقد است که چون روایت مذکور صریح در طهارت است و روایاتی که پیشتر گذشت صریح در نجاست بود و این دو دسته با هم معارضند، پس ساقط می‌شوند و به روایات ظاهر در نجاست تمسک می‌نماییم (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۲۶). دیگر این‌که روغن مورد سؤال، روغن جامد است و سرایت رطوبت در آن مطرح نیست (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص ۱۹۸). این توجیه با ظاهر اصلاً سازگاری ندارد. اگر منظور روغن جامد بود، باید به جای «يقع في» به «يقع على» تعبیر می‌شد. جز این دو، گفته شده که منظور از «کلب» درندگان است (همان). برخی نیز احتمال داده‌اند لفظ «کلب» اشتباه نساخ باشد (خوانساری، بی‌تا، ج ۴،

۱. آیه‌الله سیستانی در این باره بحث مفصلی کرده است: قاعده لا ضرر ولا ضرار، ص ۹۵ به بعد.



ص ۱۵۵)؛ دیگر این که موافق فتوای عامه است و این امکان تقیه را تقویت می کند (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۸۳).^۱ میرزا هاشم آملی درباره احتمال اخیر می گوید:

«بزرگان عامه به نجاست [سگ] حکم کرده اند و مخالفت با بعضی از کسانی که معروف نبوده و امام علیه السلام از آنان در تنگنا و مضيقه نیست، بی فایده است.»

(اسماعیل پور، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۹۶)

۵. ۳. صحیحہ علی بن جعفر

وسألته عن فارة أو كلب شر با من زيت أو سمن، قال: إن كان جرّة أو نحوها فلا تأكله، ولكن يتنفع به لسراج أو نحوه، وإن كان أكثر من ذلك فلا بأس بأكله، إلا أن يكون صاحبه موسراً يحتمل أن يهريقه، فلا يتنفع به في شيء (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص ۱۹۸).

تقریب استدلال: نسبت به خوردن از روغنی که سگ از آن نوشیده اجازه داده شده است، بنابراین سگ پاک است.

بررسی سندی: گاهی نسبت به این سند خدشه هایی می شود اما از آنجا که «مسائل علی بن جعفر» همینک در دست است این روایت پذیرفته خواهد شد. این کتاب میان اصحاب معروف بوده و آنچه در قرب الإسناد از آن نقل شده تنها یکی از طرق است.

بررسی محتوایی: شهید صدر ذیل این روایت نیز آنچه پیشتر درباره صحیحہ سعید اعرج گفت، بیان می دارد و آن را دال بر نجاست می انگارد (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۲۴). به نظر می رسد پرسش در این روایت ناظر به خوردن و آشامیدن باشد تا نجاست و طهارت. نجاست با فقر و غنا تغییری نمی کند اما می توان استفاده نمود که در صورت فقر، بر اساس قاعدة اضطرار، حرمت اکل برداشته می شود. با توجه به این توجیه، نجاست بر حکم خود باقی است و اگر شخص فقیر نبود، نباید از آن بخورد و بنوشد اما اگر فقیر بود شرع برای او ارفاقی قائل شده است. بر این اساس، ایسار و اعسار در حکم تکلیفی دخالت دارند نه در حکم وضعی. آیه الله داماد اما می گوید:

۱. آیه الله داماد نیز معتقد است نه از حیث سندی و نه دلالی اشکالی بر این روایت نیست و یا باید آن را بر تقیه حمل نمود یا با روایات دال بر نجاست که صحیح و مستفیض است ساقط کرد؛ طاهری اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۷.



«امام علیه السلام میان فقیر و غنی تفصیل قائل شدند و این با طهارت متناسب است؛ زیرا نجاست به مجرد فقر دفع نمی‌شود.» (طاهری اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۷)^۱

۵. ۴. صحیحہ علی بن جعفر

عن أخيه موسى عليه السلام قال: سألته عن الفارة الرطبة قد وقعت في الماء فتمشي على الثياب، أيصلي فيها؟ قال: اغسل ما رأيت من أثرها، وما لم تره انضحه بالماء (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶۰؛ کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۱۷۹؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۶۱).

شیخ طوسی در ادامه این روایت نوشته:

«وفي رواية أبي قتادة عن علي بن جعفر: والكلب مثل ذلك.» (ص ۲۶۲).

در وسائل ابتدا سه طریق به این روایت آمده که ذیل «والكلب مثل ذلك» را ندارد. پس از آن روایت شیخ طوسی از ابی قتاده را نقل می‌کند که این جمله در آن موجود است. در مسائل علی بن جعفر و قرب الإسناد نیز این جمله یافت می‌شود (علی بن جعفر، ۱۳۶۸، ص ۱۹۲؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹۳).
تقریب استدلال: با لباسی که سگ مرطوب به آن اصابت کرده می‌توان نماز خواند، بنابراین نجس نیست.

بررسی: در این روایت حکم سگ و موش یکسان آمده است. برخی معتقدند منافاتی ندارد که امر به شستن در مورد موش استحبابی و در مورد سگ وجوبی باشد (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶۰). این البته بسیار خلاف ظاهر است؛ زیرا امام یک حکم را برای موش بیان کرده و پس از آن فرموده‌اند سگ هم همان حکم را دارد. دیگر سخن از وحدت سیاق و پذیرش و عدم پذیرش آن در میان نیست.

۵. ۵. صحیحہ علی بن جعفر

عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام قال: سألته عن الفارة والكلب إذا أكلتا من الخبز أو شتاه، أيؤكل؟ قال: يطرح ما شتاه، ويؤكل ما بقي (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶۵؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۲۹).

۱. شهید صدر نیز عیناً همین جمله را ذکر کرده است؛ بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۲۲۷.



تقریب استدلال: از این روایت نیز استفاده می‌شود که حکم موش و سگ یکسان است. همچنین مشخص است حکم مربوط به بوییدن، از آنجا که سرایت رطوبتی در کار نیست، تنزیهی است؛ بنابراین حکمی که درباره سگ گفته شده نیز حمل بر استحباب خواهد شد.

۵. ۶. موثقه عمار ساباطی

عن أبي عبدالله عليه السلام أنه سئل عن الكلب والفارة أكلا من الخبز وشبهه؟ قال: يطرح منه

ويؤكل الباقي. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶۵؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۸۴)

بررسی: نکته قابل توجه اینکه در این روایت بحث وحدت سیاق که پیشتر گذشت مطرح نیست؛ در واقع حکمی یکسان برای موش و سگ بیان شده است. از این رو اگر کسی قائل به نجاست سؤر موش نیست، نجاست سؤر سگ را نیز نمی‌تواند استفاده نماید.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که تعدادی از فقها جز سگ و خوک، حیوانات دیگری نظیر موش، خرگوش، روباه و مارمولک را هم نجس شمرده‌اند. (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۳۱؛ ابن زهره، ۱۴۱۸ق، ص ۴۴؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۰؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۵۲) علامه حلی اما در این موضوع جانب طهارت را گرفته و نظر پدرش و محقق حلی را نیز چنین می‌خواند. دلیل او اصل طهارت است و از آنجا که این حیوانات، بسیار در معرض بشر می‌باشند و دوری از آنان حرجی است و نیز اگر نجس بودند باید استعمال سؤر آنان نیز اجماعاً حرام می‌بود، نمی‌توان آن‌ها را نجس انگاشت. یکی از دلایل او صحیحه فضل بن عبدالملک است و اخبار معارض را حمل بر استحباب می‌کند. (۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۶)

۵. ۷. صحیحه علی بن جعفر

عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام، قال: سألته عن الفارة والكلب إذا أكلا من الخبز وشبهه،

أيحل أكله؟ قال: يطرح منه ما أكل، ويحل الباقي. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص ۱۹۸؛

علی بن جعفر، ۱۳۶۸، ص ۲۱۳؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۴)

جز این موارد، پاره‌ای از روایات به‌عنوان معارض با نجاست موی خوک در دست است؛ از آنجا که در فقه شیعه میان سگ و خوک در طهارت و نجاست تفکیکی نشده، بعضی به‌عنوان مؤید از روایات مذکور نیز استفاده کرده‌اند. (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۱۷ و ج ۱۶، ص ۴۰۴)



دلالت لفظ نجس و رجس

واژه «نجس» در لغت به معنای چیز ناپاک و پلید بوده و مرادف «قذر» دانسته شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۲۶). در کتب فقهی اما کلمه مذکور اصطلاحی مشخص است و احکامی بر آن مترتب می‌گردد. در روایات موجود در وسائل الشیعة (نجس) ۷ بار و مشتقاتش حدود ۳۵ بار به چشم می‌خورد. از این شمار، ۴ حدیث مربوط به سگ و گوشت آن است. با این حال نمی‌توان ادعا کرد در تمامی موارد استعمال «نجس» در لسان ائمه علیهم‌السلام و اصحاب آنان، معنای مصطلح فقهی منظور بوده است. محقق همدانی در این باره می‌نویسد:

«اثبات نشده است که «نجس» در زمان صدور روایات حقیقت در خصوص نجاست مصطلح [فقهی] باشد.» (همدانی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۳۲۱؛ نک: صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۵۹؛ جناتی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷)

موارد متعددی، چه در وسائل الشیعة که به احادیث فقهی اختصاص دارد و چه در کتب دیگر، دیده می‌شود که حمل نجس بر معنای مصطلح آن ناصواب است. به عنوان نمونه، برای شیطان، شرک، گناه، آهن، نفس، مار و برخی افراد این تعبیر آمده است. جز این، واژگانی چون «أنجس» به معنای نجس‌تر بوده که شدت و ضعف را می‌رساند؛ حال آن‌که بنابر دیدگاه بسیاری، نجاست فقهی ذومراتب نیست (غروی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۷۰). شیخ حر عاملی ذیل برخی از روایات به معنای لغوی بودن «نجس» اشاره کرده است (۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۳۰). نسبت به بسیاری از نجاستات از این واژه و مشتقاتش استفاده نشده و تنها آثار مترتب بر نجاست آن، همچون شستن لباس و بدن، ذکر شده است. به دیگر سخن، در عصر نزول قرآن کریم و صدور روایات معصومین کمتر لفظ خاص و مشخصی برای نجاست به کار برده شده و اکثراً به جای حکم وضعی (همچون طهارت و نجاست) حکم تکلیفی (مانند وجوب آب کشیدن لباس و ازاله مسجد) بیان شده است.^۱ از همین رو به نظر می‌رسد تنها با تعبیر «نجس» و بدون هیچ قرینه دیگری حکم به نجاست دشوار خواهد بود.

۱. این بیان در پاره‌ای از کتب اشاره‌وار آمده است؛ ر.ک: بحرانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۶۰؛ مروج جزائری، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۲۹۷.



فقها بدین نکته در موارد متعددی تصریح کرده‌اند؛ از آن جمله ذیل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا» (توبه، ۲۸) و حدیث «فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَنْجَسَ مِنَ الْكَلْبِ، وَإِنَّ النَّاصِبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِأَنْجَسَ مِنْهُ» (نک: شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۶۵-۶۶؛ سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۵۰؛ موسوی عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۰۵؛ حسینی عاملی، بی تا، ج ۴، ص ۱۱؛ آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۸۳؛ اراکی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۳۱؛ حائری یزدی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۵۱).

با بررسی روایات به نظر می‌رسد در احادیث امام حسن عسکری علیه السلام نیز مراد از نجس معنای لغوی آن باشد. یکی از پژوهشگران با توجه به این نکته معتقد است تا پایان عصر حضور ائمه این واژه از معنای اولی خود خارج نشده، لذا منظور از نجس در روایات دیگر ائمه هم نجاست و پلیدی لغوی است؛ مگر در مواردی که قرینه داخلی یا خارجی مبنی بر نجاست فقهی اقامه شود و با فقدان قرینه، اگرچه لفظ نجسی پیدا شود که تحمل هر دو معنی را داشته باشد، بر معنای لغوی آن باید حمل نمود (عابدینی، احمد (۱۳۷۵)، بحثی درباره پاک بودن ذاتی انسان، فصلنامه فقه، ش ۸ و ۷).

مطالب پیش گفته نسبت به دلالت واژه «رجس» هم جاری است. این کلمه نیز مرادف قدر و به معنای ناپاک بوده و در قرآن و روایات به معانی مختلفی به کار رفته است. مقدس اردبیلی می‌نویسد: «... "رجس" به معنای نجس مصطلح نزد فقها نیست، نه از نظر لغوی که ظاهر است و نه از نظر عرف عام و خاص، زیرا ثابت نشده است. از کتب لغت هم برمی‌آید که «قدر» باشد و اعم از این معنا، چرا که تقسیم آن به آلودگی عقلی و شرعی صحیح است.» (۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰۹)

نتیجه

برای نجاست سگ در فقه امامیه به پاره‌ای از روایات و اجماع استناد می‌شود. اگرچه مشهور تمام اجزاء این حیوان را نجس می‌دانند اما برخی از فقها در دامنه این نجاست اختلاف کرده، برخی تنها آب دهان یا اجزایی را که حیات در آن حلول می‌کنند، نجس دانسته و تنی چند نیز میان سگ شکاری و دیگر اصناف سگ تفصیل قائل شده‌اند. اگرچه برای نجاست این حیوان به



قرآن استناد نمی‌شود اما برخی برای طهارت سگ شکاری از آیه‌ای از قرآن مدد جسته‌اند که مورد قبول مشهور نیفتاده است. به نظر می‌رسد ادله مبتنی بر نجاست آب دهان سگ بلا معارض بوده و مناقشه‌ای در آن باشد، اما نسبت به ادله مربوط به نجاست تمام اجزاء این حیوان، علاوه بر اخبار معارض، خدشه‌های سندی و دلالتی مطرح است. اجماع ادعاشده در مسأله نیز مدرکی است و حجت نیست.





فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن تیمیه حرانی، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۶ق). *مجموع الفتاوی*، تحقیق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم. مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۳. ابن عابدین، محمد امین بن عمر (۱۴۱۲ق). *رد المحتار علی الدر المختار* (چاپ دوم). بیروت: دار الفکر.
۴. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله (۱۴۲۱ق). *الاستدکار*، تحقیق سالم محمد عطا و محمد علی معوض (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. _____ (۱۴۰۰ق). *الكافي في فقه أهل المدينة*، تحقیق محمد محمد احمد ولد مادیک موریتانی (چاپ دوم). ریاض: مکتبة الرياض الحديثة.
۶. ابن قدامه مقدسی، ابو محمد موفق الدین (۱۴۱۴ق). *الكافي في فقه الإمام أحمد بن حنبل* (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. ابن منظور انصاری، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۸. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی (۱۴۱۸ق). *غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع*، تحقیق ابراهیم بهادری. قم: مؤسسه الإمام الصادق.
۹. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق). *الرجال*، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی (چاپ اول). قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۰. اراکی، محمد علی (۱۴۱۵ق). *کتاب الطهارة (تقرير مباحث عبد الكريم حائري يزدي)* (چاپ اول). قم: در راه حق.
۱۱. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان*، تصحیح مجتبی عراقی و علی پناه اشتهازدی و حسین یزدی (چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۲. اسماعیل پور قمشه‌ای، محمد علی (۱۴۰۶ق). *المعالم المأثورة في شرح كتاب العروة الوثقى (تقرير مباحث ميرزا هاشم آملی)* (چاپ اول). قم: المطبعة العلمیة.
۱۳. ایروانی نجفی، علی (۱۳۸۴). *حاشية المكاسب* (چاپ اول). تهران: کیا.
۱۴. آملی، محمد تقی (۱۳۸۰ق). *مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى* (چاپ اول). تهران: بی‌نا.



١٥. بحرانی، یوسف (بی تا). *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، تحقیق محمدتقی ایروانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
١٦. بکاء، محمد (١٤٣٧ق). *قیسات من علم الرجال (تقریر مباحث محمدرضا سیستانی)* (چاپ اول). بیروت: دار المؤرخ العربی.
١٧. بیهقی کیدری، قطب الدین (١٣٧٤). *إصباح الشيعة بمصباح الشريعة*، تحقیق ابراهیم بهادری (چاپ اول). قم: مؤسسه الإمام الصادق.
١٨. تبریزی، جواد (١٤٢٩ق). *تنقیح مبانی العروة (الطهارة)* (چاپ دوم). قم: دار الصدیقه الشهیده.
١٩. جزیری، عبدالرحمن (١٤٠٦ق). *کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة* (چاپ هفتم). دار احیاء التراث العربی.
٢٠. جناتی، محمد ابراهیم (١٣٧٤). *ادوار فقه و کیفیت بیان آن* (چاپ اول). تهران: کیهان.
٢١. حائری یزدی، مرتضی (١٤٢٩ق). *شرح العروة الوثقی*، تحقیق محمد حسین امراللهی (چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
٢٢. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤١٦ق). *وسائل الشيعة*، تحقیق مؤسسه آل البيت لإحياء التراث (چاپ سوم). قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
٢٣. حسینی عاملی، محمد جواد (بی تا). *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة* (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٤. حلبی، ابوالصلاح (١٤٠٣ق). *الكافي في الفقه*، تحقیق رضا استادی (چاپ اول). اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین.
٢٥. حلّی، جعفر بن حسن (١٤٠٧ق). *المعتبر في شرح المختصر*، تحقیق و تصحیح عدة من الأفاضل (چاپ اول). قم: مؤسسه سید الشهداء.
٢٦. حلّی، حسن بن یوسف (١٤١٧ق). *خلاصة الاقوال في معرفة الرجال* (چاپ اول). قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
٢٧. _____ (١٤١٢ق). *منتهی المطلب في تحقیق المذهب* (چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.



۲۸. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد* (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۲۹. خمینی، روح الله (۱۳۶۸). *المکاسب المحرمة*، تحقیق مجتبی تهرانی. قم: مؤسسة إسماعیلیان للطباعة والنشر.
۳۰. _____ (۱۴۱۵ق). *بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر* (چاپ سوم). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۱. _____ (۱۴۲۱ق). *کتاب الطهارة* (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۲. خوانساری، احمد (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، تصحیح علی اکبر غفاری (چاپ دوم). تهران: مکتبه الصدوق.
۳۳. خوانساری، حسین (بی تا). *مشارق الشموس فی شرح الدروس*. قم: مؤسسة آل البيت.
۳۴. زیلعی حنفی، فخرالدین (۱۳۱۳ق). *تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي*، حاشیه شهاب الدین احمد بن محمد شلبي (چاپ اول). قاهره: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق.
۳۵. سبزواری، عبدالأعلى (۱۳۸۸). *مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام* (چاپ اول). قم: دار التفسیر.
۳۶. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (بی تا). *ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد* (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۳۷. سرخسی، شمس الاثمه (۱۴۱۴ق). *المبسوط*. بیروت: دار المعرفة.
۳۸. سعید تهرانی، حسن (۱۳۷۹ق). *دلیل العروة الوثقی (تقرير مباحث حسین حلی)* (چاپ اول). نجف: مطبعة النجف.
۳۹. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۷ق). *المسائل الناصريات* (چاپ اول). تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الإسلامية.
۴۰. _____ (۱۴۳۱ق)، *نفائس التأویل*، تصحیح مجتبی احمد موسوی (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات.
۴۱. سیستانی، علی (بی تا). *قاعدة لا ضرر ولا ضرار*. بی جا: مکتب آية الله العظمی السيد السيستاني.



۴۲. شبیری زنجانی، موسی (بی تا). کتاب حج. قم: مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی.
۴۳. _____ (بی تا). دروس خارج نکاح. قم: مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی.
۴۴. شیرازی، ابواسحاق (۱۴۱۶ق). المهذب في فقه الإمام الشافعي. بيروت: دار الكتب العلمية.
۴۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۴). رساله توضیح المسائل نوین (چاپ سوم). تهران: امید فردا.
۴۶. صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ق). بحوث في شرح العروة الوثقى، تحقیق محمود هاشمی شاهرودی (چاپ دوم). قم: مجمع الشهد آیه الله الصدر العلمي.
۴۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). الخصال، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
۴۸. _____ (۱۳۸۵ق). علل الشرائع. قم: منشورات المكتبة الداوری.
۴۹. _____ (۱۳۶۳). من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۵۰. طاهری اصفهانی، جلال الدین (۱۳۸۸). کتاب الطهارة (تقریر مباحث محمد محقق داماد). قم: مبارک.
۵۱. طباطبائی حکیم، محسن (۱۳۹۱ق). مستمسک العروة الوثقى (چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۲. طباطبائی حکیم، محمدسعید (۱۴۱۷ق). مصباح المنهاج (الطهارة) (چاپ اول). بی جا: مؤسسة المنار.
۵۳. طباطبائی قمی، تقی (۱۴۲۶ق). مبانی منهاج الصالحین، اشراف عباس حاجبانی (چاپ اول). قم: منشورات قلم شرق.
۵۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). الاستبصار، تحقیق حسن موسوی خراسان (چاپ چهارم). تهران: دار الكتب الإسلامية.
۵۵. _____ (۱۴۰۷ق). الخلاف (چاپ اول). قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۵۶. _____ (۱۴۱۷ق). الفهرست، تحقیق جواد قیومی اصفهانی (چاپ اول). قم: نشر الفقاهة.
۵۷. _____ (۱۴۰۰ق). النهاية في مجرد الفقه والفتاوى (چاپ دوم). بیروت: دار الكتاب العربی.



۵۸. _____ (۱۳۶۴). تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة، تصحیح حسن موسوی خراسان و علی اکبر غفاری (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۹. _____ (۱۳۷۳). رجال الطوسي، تحقیق جواد قیومی اصفهانی (چاپ سوم). قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۶۰. عابدینی، احمد (بی تا). «آیا تمامی اجزاء تمامی سگ ها نجس است؟». گاهنامه بازانديشي ديني، ش ۱۱.
۶۱. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۳۴۱ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (چاپ اول). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۶۲. علوی گرگانی، محمد علی (۱۳۹۵). المناظر الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: نشر فقيه اهل بيت عليه السلام.
۶۳. علی بن جعفر (۱۳۶۸). مسائل علي بن جعفر ومستدرکاتها، تحقیق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۶۴. غروی، علی (۱۴۳۰ق). التنقیح في شرح العروة الوثقى (تقرير مباحث ابوالقاسم خويي) (چاپ چهارم). بی جا: مؤسسة الخوئي الإسلامية.
۶۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۳۲ق). تفصیل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة (کتاب الطهارة) (چاپ اول). قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار عليهم السلام.
۶۶. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام (چاپ اول). قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۶۷. فراهیدی بصری، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العين، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. بیروت: دار ومکتبة الهلال.
۶۸. قزوینی، زهیر (۱۴۳۵ق). مستمسک المسائل المنتخبة (تقرير مباحث علی مروجی قزوینی) (چاپ اول). قم: تک.
۶۹. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد في شرح القواعد (چاپ دوم). قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). الکافي (چاپ اول). قم: دار الحديث للطباعة والنشر.



٧١. مالک بن انس (١٤١٥ق). *المدونة الكبرى*، رواية سحنون بن سعيد تنوخي (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
٧٢. ماوردی، ابوالحسن (١٤١٩ق). *الحاوی الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي وهو شرح مختصر المزمعي*، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیة.
٧٣. مجلسی، محمدباقر (١٤٠٤ق). *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول* (چاپ دوم). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
٧٤. مرداوی دمشقی، علی بن سلیمان (بی تا). *الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف* (چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٧٥. مروج جزایری، محمدجعفر (١٤١٣ق). *منتهی الدراریة في توضیح الكفاية* (چاپ چهارم). قم: دار الکتب.
٧٦. مفید، محمد بن محمد (١٤١٠ق). *المقنعة* (چاپ دوم). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
٧٧. منتظری، حسینعلی (١٤١٧ق). *دراسات في المكاسب المحرمة* (چاپ اول). قم: مکتب آية الله العظمی المنتظری.
٧٨. موسوی بجنوردی، محمد مهدی (١٣٩٤). *كتاب الطهارة* (چاپ اول). قم: صحیفه خرد.
٧٩. موسوی خویی، ابوالقاسم (١٤٣٠ق). *معجم رجال الحديث* (چاپ چهارم). بی جا: مؤسسه الخوئی الإسلامیة.
٨٠. موسوی عاملی، محمد بن علی (١٤٢٩ق). *مدارك الأحكام* (چاپ دوم). قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
٨١. مهري، مرتضى (بی تا). *لباس المصلي (تقرير مباحث على حسینی سیستانی)*. بی جا: بی نا.
٨٢. نجفی، محمدحسن (١٣٦٢). *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، تحقیق عباس قوچانی (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٨٣. نووی، یحیی بن شرف (١٤٢١ق). *المجموع شرح المہذب*. بیروت: دار الفکر.
٨٤. همدانی، رضا (١٣٧٦). *مصباح الفقيه* (چاپ اول). قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث.